



Analysis and Examination of the Narration “Al-‘Ayn Ḥaqq” in the Sources of Islamic Denominations

Esmail Esbati¹ 

1. Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: esbati@atu.ac.ir

Abstract

Belief in the harmful effect of a glance inspired by astonishment or envy, commonly referred to as the "evil eye", is a widespread phenomenon across various human societies. Nevertheless, some have long regarded this belief as superstitious. Muslim scholars, by relying upon transmitted reports (ahādīth), have considered it an authentic doctrine; however, the narrations in this field have never been the subject of an independent scholarly study. Numerous narrations regarding the legitimacy of the evil eye and methods for confronting it are recorded in the sources of both religious denominations. One of the foundational expressions in these narrations is the phrase "al-‘ayn ḥaqq" (al-‘ayn ḥaqq). This article, using a descriptive-analytical method, attempts to trace such narrations, critically evaluate their texts and chains of transmission (isnād), and determine their level of reliability. According to the findings of this research, the expression "al-‘ayn ḥaqq" appears primarily and predominantly in Sunni sources, from which it gradually entered Shiite compilations. The primary Sunni sources have documented these narrations, and they have been accepted by Sunni scholars. Of the thirteen narrations reported on this topic, four are transmitted via Abū Hurayrah, two are attributed to Ibn ‘Abbās, and two are attributed to ‘Ā’ishah. Nevertheless, a critical evaluation of the chains of transmission reveals that the majority of these narrations are weak in terms of isnād, and only one narration can be regarded as credible, provided the Sunni standards of authentication (tawthīqāt) are accepted.

Keywords: Evil Eye, Sunni Hadith, Shiite Hadith, Al-‘ayn Ḥaqq, Hadith Criticism.

Cite this article: Esbati, E. (2025). Analysis and Examination of the Narration “Al-‘Ayn Ḥaqq” in the Sources of Islamic Denominations. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (1), 25-47. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.
Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.388887.670430>



Article Type: Research Paper
Received: 3-Feb-2025
Received in revised form: 22-Apr-2025
Accepted: 30-Jun-2025
Published online: 6-Oct-2025

تحلیل و بررسی روایت «العین حق» در منابع فریقین

اسماعیل اثباتی^۱

۱. استادیار، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
ایمانامه: esbati@atu.ac.ir

چکیده

باور به اثر سوء نگاه از روی تعجب یا حسادت، که از آن با عنوان چشم‌زخم یاد می‌شود از باورهای فراگیر در جوامع مختلف بشری است؛ با این وصف از دیرباز برخی آن را باوری خرافی دانسته‌اند. اندیشمندان مسلمان با استناد به روایات آن را باوری اصیل دانسته‌اند اما روایات این حوزه هرگز موضوع بحث علمی مستقل نبوده‌است. روایات متعددی در منابع فریقین درباره حقیقت چشم‌زخم و روشهای مقابله با آن ثبت شده‌است. یکی از بنیادی‌ترین تعابیر در این روایات عبارت «العین حق» است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی می‌کوشد روایات این موضوع را ردیابی کرده، از نظر متنی و سندی بررسی‌شده و میزان اعتبار آنها را مشخص کند. بر اساس پژوهش صورت گرفته تعبیر «العین حق» بیش و پیش از همه در منابع اهل سنت وارد شده و از این طریق به تدریج وارد منابع شیعی شده‌است. منابع دست اول اهل سنت این روایات را ثبت کرده‌اند و از نگاه اهل سنت پذیرفته شده‌اند. از ۱۳ روایت نقل شده در این موضوع، ۴ روایت از طریق ابوهریره نقل شده‌است، ۲ روایت به ابن عباس و ۲ روایت به عایشه منتسب شده‌است. با این حال بررسی سندی روایات این موضوع نشان می‌دهد که بیشتر روایات این مضمون از نظر سندی ضعیف‌اند و تنها یک روایت وجود دارد که در صورت پذیرش توثیقات اهل سنت، موثق تلقی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: چشم‌زخم، احادیث اهل سنت، احادیث شیعه، العین حق، نقد حدیث.

استناد: اثباتی، اسماعیل (۱۴۰۴). تحلیل و بررسی روایت «العین حق» در منابع فریقین. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۱)، ۲۵-۴۷.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2025.388887.670430>



مقدمه

باور به اثر وضعی خاص موجود در برخی از نگاهها که از آن به عنوان «چشم زخم» تعبیر می‌شود از باورهای کهن است که در درازنای تاریخ و پهنه وسیع جغرافیایی همواره باورمندان و مدافعان بسیاری داشته‌است (داندس، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۷). منابع اسلامی حکایت از آن دارد که از سده‌های نخستین این اندیشه با مخالفانی نیز مواجه بوده‌است که آن را باوری عامیانه و خرافی دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹: ج ۶: ۱۶۷) (هر چند بیشتر اندیشمندان مسلمان این باور را پذیرفته‌اند (فخر رازی، بی‌تا: ج ۳: ۱۰۰؛ طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۹: ۳۸۸). در عصر حاضر نیز همچنان این دو نظر هوادارانی دارند. برخی مستشرقان با مطالعه در فرهنگ جاهلی از یک سو و نظر به روایات و متون اسلامی از سوی دیگر، به این نتیجه رسیده‌اند که «باور پیامبر به چشم بد میراثی از نیاکان عربی او بود که با اقوام سامی دیگر در این باور سهیم بودند» (وستر مارک، ۱۳۹۶: ۹۶) بر این اساس آنها از سویی باور به چشم بد را باوری خرافه دانسته و از سویی پیامبر (ص) را همراه با سایر مردمان عصر خویش از باورمندان به این موضوع قلمداد کرده‌اند. دیدگاهی که نمی‌تواند از نگاه مسلمانان پذیرفته شود چون اگر باور به چشم زخم را باوری بی‌پایه و مبتنی بر خرافات بدانیم در این صورت نمی‌توانیم بپذیریم که پیامبر (ص) این باور را پذیرفته باشد. از سویی روایات فراوانی در منابع فریقین از این باور دفاع کرده‌اند. به نظر می‌رسد برای داوری در این زمینه ابتدا باید موضوع به درستی تبیین شود. طبیعتاً بخش مهمی از موضوع در گرو تحلیل روایات فریقین در این باره است. روایات مرتبط به چشم زخم گونه‌های متعددی دارند. یکی از مهمترین گونه‌ها، روایاتی است که با عبارت «العين حق» به صراحت از باور به چشم زخم دفاع کرده‌است. این نوشتار تلاشی است برای جمع‌آوری، دسته‌بندی، تحلیل و بررسی این دسته از روایات تا مشخص شود این دسته از روایات از نظر متنی و سندی چه وضعیتی دارند و آیا می‌توان صدور این دسته از روایات را به معصومین منتسب کرد یا باید در انتساب آنها تشکیک کرد.

۱. پیشینه تحقیق

بیشتر پژوهشهای غربیان از زاویه روان‌شناسی، مردم‌شناسی، هنر و فرهنگ عامه به مسئله چشم زخم پرداخته‌است (داندس، ۱۳۹۹: ۲۸۴-۲۸۶) اندیشمندان مسلمان از دیر باز در منابع تفسیری (به عنوان نمونه در تفسیر آیات ۶۷ سوره یوسف؛ ۵۱ و ۵۲ سوره قلم، و تفسیر سوره ناس و فلق) و روایی (به عنوان نمونه: متقی هندی، ۱۴۰۹ق: ج ۶: ۷۴۴-۷۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۶۰: ۱-۲۷) به صورت گذرا به این مساله نظر داشته‌اند.

روایات مربوط به چشم زخم در منابع اهل سنت به وفور یافت می‌شوند و محدثان از قرون اولیه در منابع روایی خود ابواب جداگانه‌ای را به این روایات اختصاص داده‌اند. آنها معمولاً یک باب را به حقانیت چشم زخم و یک باب را به تعویذهای چشم زخم اختصاص داده‌اند (برای نمونه رک: بخاری، ۱۴۰۱:

ج ۷: ۲۳-۲۴. مسلم، بی تا: ج ۷: ۱۳-۱۹. ابن ماجه، بی تا: ج ۲: ۱۱۵۹-۱۱۶۲) در منابع متاخر و کتابهای روایات طبی این موضوع با تفصیل بیشتر آمده است (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۶: ۷۴۴-۷۴۶؛ ابن قیم، بی تا: ۱۲۷-۱۳۶)

محدثان نخستین شیعه اهتمام چندانی به روایات چشم زخم نداشته و باب جداگانه ای برای آن اختصاص نداده اند. روایات این موضوع در آثار شیخ کلینی (۱۳۶۳: ج ۲: ۵۶۹)، شیخ صدوق (بی تا: ج ۱: ۴۷۰) و شیخ طوسی به ندرت و ذیل موضوعات دیگر آمده است. طب الائمه (ع) نخستین اثری است که ابوابی را به این موضوع اختصاص داده است (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۲۱، ۱۳۳ و ۱۴۰) روشی که توسط طبرسی در مکارم الاخلاق (۱۳۹۲: ۳۸۶)، ابن طاووس (۱۴۰۹: ۸۵) و دیگر دعا نگاران دنبال شد تا اینکه در منابع متاخر حدیثی، مجلسی بابتی با عنوان «تأثیر السحر والعین وحقیقتها...» فراهم ساخت و علاوه بر روایات اقوال و تحلیلهای مربوط به چشم زخم را نیز گزارش و تحلیل کرد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۰: ۱-۲۷، همو، ۱۴۰۴: ج ۱۰: ۱۶۵)

در سالهای اخیر توجه به این مساله بیشتر شده است. مقالات متعددی مبنای قرآنی باور به چشم زخم را مورد بررسی قرار داده اند (به عنوان نمونه نک: اثباتی، اسماعیل، بررسی مبنای قرآنی اعتقاد به چشم زخم، علوم قرآن و حدیث، ۱۴۰۲، دوره ۵۵ (پیاپی ۱۱۱) صص ۹-۳۵؛ همو، واکاوی مبنای نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۴۰۲، دوره ۱۴ (پیاپی ۵۵) صص ۱۸۱-۲۱۳؛ قربانی لاکتراشانی، فاطمه و حلیمی جلودار، حبیب الله: «اعتبار سنجی روایت حسن بصری در کار آمدی آیه و ان یکاد در دفع چشم زخم». حدیث پژوهی. بهار و تابستان ۱۳۹۹؛ کلانتری، علی اکبر. «بررسی تفسیری ارتباط آیه و ان یکاد و مساله چشم زخم». مطالعات تفسیری. تابستان ۱۳۹۷) اصغر کریمی رکن آباد اهتمام خود را بر «آسیب شناسی پدیده چشم زخم در جامعه اسلامی در پرتو آیات قرآن» قرار داده است (کتاب قیم، ۱۳۹۴: شماره ۱۳: ۷۳-۹۲).

برخی از پژوهشها همزمان به آیات قرآن و روایات این حوزه توجه داشته اند. مهدی اکبر نژاد و روح الله محمدی در مقاله «کنکاشی در مقوله شورچشمی (چشم زخم) در قرآن و روایات» (تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۸۸: سال ششم، شماره دوم: ۶۷-۹۰) با نگاه جدی تری به مساله پرداخته اند اما مجال اندک بحث در حد یک مقاله درباره ماهیت چشم زخم و آیات و روایات مربوط به آن، زمینه را برای بحث مفصل درباره موضوع سلب کرده است. مقاله «بازشناسی حقانیت چشم زخم از منظر قرآن، روایات و دانش پزشکی» اثر روح الله علی نژاد عمران (مجله قرآن و طب، ۱۳۹۹: شماره ۳) نیز گرفتار این آسیب است. علیرضا ملاحسنی نیز در کتاب «چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ» روایات را بدون بررسی و از منابع متاخر نقل کرده است.

برخی از پژوهشها تمرکز بیشتری بر روایات این حوزه داشته اند که از آن جمله می توان به مقاله «بررسی و تحلیل روشهای مقابله با چشم زخم در روایات شیعه» (اثباتی، اسماعیل، ۱۴۰۳: فصلنامه دعاپژوهی، شماره ۶: ۱۱۱-۱۴۵) و مقاله «بررسی مبنای روایی باور به چشم زخم در روایات

شیعه» (اثباتی، اسماعیل، ۱۴۰۴: فصلنامه علوم حدیث، شماره (۱۱۵): ۱۲۳-۱۵۱) اشاره کرد. اما پژوهشی که روایات حقانیت چشم زخم را در منابع شیعه و اهل سنت بررسی کرده و آنها را با هم مقایسه کرده باشد یافت نشد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

در این نوشتار به منابع اصلی روایات مراجعه کرده و کهن‌ترین منبع و سندهای متعدد هر روایت بررسی می‌شود. از آنجا که روایات شیعی در پژوهشی مستقل به تفصیل بررسی شده‌اند (ن ک: اثباتی، اسماعیل، ۱۴۰۴: «بررسی مبانی روایی باور به چشم زخم در روایات شیعه» فصلنامه علوم حدیث، دوره ۳۰: ۱۲۳-۱۵۱) در این نوشتار تمرکز اصلی بر روایات اهل سنت است و برای نشان دادن تاثیر و تاثر آنها به روایات شیعی هم اشاره شده‌است.

داورهای رجالی درباره روایات اهل سنت بیشتر بر اساس منابع اهل سنت صورت گرفته‌است اما در مواردی که دیدگاه شیعیان با اهل سنت متفاوت باشد به صورت طبیعی دیدگاه شیعه مورد توجه قرار گرفته‌است چون هدف از نوشتار تبیین حقیقت است و نه احتجاج با اهل سنت، به عنوان نمونه با توجه به اینکه از نگاه اهل سنت صحابه همگی عادل هستند و نیازمند بررسی رجالی نیستند در منابع اهل سنت به توثیق یا تضعیف آنها پرداخته نشده‌است اما از نگاه شیعیان نظریه عدالت صحابه پذیرفته نیست و صحابه نیز مانند سایر راویان نیازمند اعتبار سنجی هستند به همین دلیل اظهار نظرهای صورت گرفته درباره صحابه الزاما مستند به منابع اهل سنت و موافق دیدگاههای آنها نخواهد بود. طبیعی است که تنها به استناد این پژوهش نمی‌توان درباره این باور و ارتباط آن با تعالیم اسلامی قضاوت کرد و این مقاله تنها عهده‌دار تبیین گوشه‌ای از این موضوع خواهد بود.

۳. گونه‌شناسی و اعتبار سنجی روایات «العين حق»

برخی از منابع روایی اهل سنت مانند بخاری روایات مربوط به چشم زخم را در دو باب جداگانه حقانیت چشم زخم و رقیه‌ها و تعویذهای مربوط به چشم زخم آورده‌اند (بخاری، ۱۴۰۱: ج ۷: ۲۳-۲۴) این تقسیم‌بندی در همه کتابها رعایت نشده اما پیوسته یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در روایات چشم زخم، حقانیت آن بوده‌است. روایات این موضوع را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

۳-۱. چشم حق است.

سالم بن عبد الله بن عمر گوید وقتی که پسر ابوهریره بیمار شد از من خواستند که برای او رقیه بنویسم. رفتم ولی می‌ترسیدم که ابوهریره آن را خوش نداشته باشد اما گفتم بنویس چون از پیامبر شنیدم که فرمود: چشم حق است.

أخبرنا ... عمرو بن شعيب أخبرني منيح ابن صهيب عن سالم بن عمر قال أبو زرعة هو سالم بن عبد الله بن عمر قال اشتكى محرّر بن أبي هريرة فدعيت إليه لأرقيه قال فذهبت وأنا متخوف أنا يكره ذلك أبو هريرة قال فقال لي أرقه فإني سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يقول العین حق (ابن عساکر: ج ۵۷: ۷۸)

احتمالا به خاطر نهی پیامبر، سالم فکر می کرد ابوهریره مخالف استفاده از رقیه است. عبد الرزاق از معمر از زهری نقل کرده که وقتی پیامبر (ص) به مدینه رفت مردم از رقیه هایی استفاده می کردند که شرک آلود بود پس پیامبر از رقیه نهی کرد. پس از اینکه یکی از اصحاب دچار مارگزیدگی شد پیامبر فرمود آیا رقیه نویسی نیست که برای او رقیه بنویسد؟ مردی گفت من رقیه تهیه می کردم ولی وقتی از آن نهی کردید این کار را رها کردم. فرمود رقیه ات را بر من عرضه کن. بر او عرضه کردم و در آن اشکالی ندید و اجازه داد از آن استفاده کنم. (صنعانی، بی تا: ج ۱۱: ۱۶)

منیح بن صهیب در منابع رجالی و حدیثی شناخته شده نیست و نامش جز در همین کتاب و روایت نیامده است. بر این اساس سند روایت ضعیف است.

ابوهریره از نگاه اهل سنت به واسطه صحابی بودن عادل شمرده می شود اما از نگاه شیعیان فردی کذاب و غیر قابل اعتماد است (نک: شرف الدین موسوی، ۱۳۷۷: سرتاسر اثر) بر این اساس سند روایت ضعیف است.

۲-۳. چشم زخم و خالکوبی

ابوهریره از پیامبر نقل کرده که چشم زخم حق است و از خالکوبی نهی کرد.

أخبرنا عبد الرزاق عن معمر عن همام بن منبه عن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: العین حق، ونهی عن الوشم (صنعانی، بی تا: ج ۱۱: ۱۸)

ابن حنبل، بخاری و مسلم از عبدالرزاق با همین سند روایت را نقل کرده اند (ابن حنبل، بی تا: ج ۲: ۳۱۹، بخاری: ج ۷: ۲۴ و ۶۴، مسلم، بی تا: ج ۷: ۱۳) این روایات در ضمن مجموعه روایات ابوهریره بوده که همام گزارش کرده است. در گزارش ابو داود از این روایت که آن را از ابن حنبل از عبدالرزاق با همین سند نقل کرده بخش دوم حدیث نیامده است و تنها عبارت «العین حق» آمده است (ابوداود، ۱۴۱۰: ج ۲: ۲۲۴)

بررسی سندی: معمر بن راشد بصری (۱۵۳ یا ۱۵۴) از نظر رجالیان اهل سنت توثیق شده است. (مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۸: ۳۰۳-۳۱۱) همام بن منبه (۱۳۱ یا ۱۳۲ ق) برادر وهب بن منبه و از یمنی های ایرانی الاصل بود که از ابوهریره و معاویه حدیث روایت می کرد (بخاری، بی تا: ج ۸: ۲۳۶) گرایشات اموی او از برخی گزارشاتش مشهود است (همان: ج ۷: ۳۲۷) همام بن منبه در مدینه با ابوهریره همنشین شد و روایات متعددی از او شنید. نزدیک به ۱۴۰ حدیث با سند یکسان نقل شده که در کتابها

پراکنده و تقطیع شده است و در میان آنها چیزهایی یافت می‌شود که جزء احادیث نیست (مزی، ۱۴۰۶: ج ۳۰: ۳۰۰) همام بن منبه از ابوهریره نقل کرده که هیچ کسی بیش از من روایت نقل نکرده جز این عمر، او می‌نوشت ولی من از حفظ نقل می‌کردم (عقیلی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۸۳)

برخی اسرائیلیات و روایات ضعیف و غیر قابل قبول از معمر از همام از ابوهریره نقل شده است (نک: ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۶۱: ۱۷۰، صنعانی، بی‌تا: ج ۴: ۴۵۰: ج ۱۰: ۳۸۴، ج ۱۱: ۱۱۳، ابن نجار، ۱۴۱۷: ج ۲: ۷۹) این گزارشها اعتماد به این سند را از بین می‌برد افزون بر این، سند روایت به واسطه وجود ابوهریره ضعیف شمرده می‌شود.

۳-۳. چشم، شیطان و حسادت

ابوهریره از پیامبر روایت کرده که چشم حق است، شیطان و حسد آدمی آن را همراهی می‌کند.

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا ابن نمير قال ثنا ثور يعني ابن يزيد عن مكحول عن أبي هريرة قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم العين حق ويحضر بها الشيطان وحسد ابن آدم (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۲: ۴۳۹)

طبرانی با اسناد خود از عیسی بن یونس و عبد الله بن نمیر از ثور از مکحول از ابوهریره این روایت را با اندکی تفاوت نقل کرده است (طبرانی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۲۶۵ و ۴: ۳۳۰)

هیثمی تنها بخش «العين حق» را صحیح دانسته هرچند راویان حدیث در کتاب ابن حنبل را تصحیح کرده است (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۷)

ثور بن یزید قدری مسلک بود و به همین دلیل او را اخراج کرده و خانه اش را به آتش کشیدند هرچند از نظر حدیثی بر او خرده نگرفته و او را صحیح الحدیث دانسته‌اند (ذهبی، ۱۳۸۲: ج ۱: ۳۷۱)

ذهبی روایات مکحول از ابوهریره را منقطع می‌دانست (کنانی، بی‌تا: ج ۲: ۱۹۲)

سند روایت علاوه بر وجود ابوهریره به خاطر مکحول نیز ضعیف است.

۳-۴. فال بد و چشم بد

برخی از روایات فال بد را بی‌پایه دانسته و همزمان چشم بد را واقعی دانسته‌اند. در نهج البلاغه چنین آمده:

الْعَيْنُ حَقٌّ وَالرُّقَى حَقٌّ وَالسَّحَرُ حَقٌّ وَالْفَالُ حَقٌّ وَالطَّيْرَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ وَالْعَدْوَى لَيْسَتْ بِحَقٍّ وَالطَّبِيبُ نُشْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ وَالزُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ. (سید رضی، ۱۳۸۷، ۵۴۶)

این روایت به این صورت در هیچ یک از منابع شیعه و اهل سنت یافت نشد. شبیه این مضمون در کتاب جعفریات از قول رسول خدا (ص) آمده است: «لا عدوی، ولا طیرة^۱، ولا هام والعین حق، والفال^۲ حق» (محمد بن اشعث کوفی، بی تا: ۱۶۸) این کتاب منتسب به اسماعیل بن موسی بن جعفر (ع) است و درباره اعتبار این کتاب اختلاف نظر وجود دارد و صاحب جواهر آن را معتبر نمی داند ولی میرزای نوری بر آن اعتماد کرده است (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱: ۱۵).

قاضی نعمان مغربی بدون ارائه سند این روایت را منتسب به پیامبر (ص) کرده است:

لا عدوی ولا طیرة ولا هام، والعین حق والفال حق، فإذا نظر أحدکم إلى إنسان أو إلى دابة أو إلى شیء حسن فأعجبه فليقل: أمنت بالله وصلى الله على محمد وآله، فإنه لا تضر عينه (نعمان مغربی، ۱۹۶۳: ج ۲: ۱۴۱).

دیگران نیز معمولاً از این دو منبع نقل کرده اند (نوری، ۱۴۰۸: ج ۸: ۲۷۸) بر این اساس این روایات فاقد سند بوده و قابل اعتماد نیستند اما روایات مشابه این حدیث در منابع اهل سنت نقل شده است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۵۸: ۲۷۷)

روایت اول

... عن المضارب بن حرب قال: قلت لأبي هريرة: أسمعت من نبيك شيئاً فحدثني، قال: نعم، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: لا عدوی ولا طیرة ولا هامة، وخیر الطیرة الفال، والعین حق (ابن ابی شیبہ: ج ۶: ۲۲۴؛ همچنین نک: ابن حنبل، بی تا: ۲: ۴۸۷، ابن عساکر: ج ۵۸: ۲۷۷-۲۷۸)

در گزارش ابن ماجه از ابن ابی شیبہ تنها عبارت «العین حق» آمده است. (ابن ماجه، بی تا: ج ۲: ۱۱۵۹)

روایت دوم

... ابن وهب قال حدثني معروف بن سويّد الجذامي أنه سمع علي بن رباح يقول سمعت أبا هريرة يقول قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا عدوی ولا طیرة والعین حق (احمد بن حنبل: ج ۲: ۴۲۰)

طبرانی درباره این روایت می نویسد: «این روایات جز معروف بن سويّد کسی از علي بن رباح نقل نکرده است و ابن وهب در نقل آن متفرد است» (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۶: ۳۲۵)

^۱. طیّره، فال بد زدن و شوم پنداشتن چیزی است و عربها گاهی با دیدن چیزی آن را شوم می پنداشتند شریعت آن را نهی کرده و در روایت آمده که به آن توجه نکن و کارت را دامه بده. ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۳: ۱۵۲.

^۲. فال خوب ناشی از حسن ظن به خدا و فال بد (تطیر) ناشی از سوء ظن به خداست. ابن اثیر، النهایه، ۱۳۶۴: ج ۳: ۴۰۵.

روایت سوم

.... قال سئل أبو هريرة سمعت من رسول الله صلى الله عليه وسلم الطيرة في ثلاث في المسكن والفرس والمرأة قال قلت إذا أقول على رسول الله صلى الله عليه وسلم (ما لم يقل ولكني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم) يقول أصدق الطيرة الفأل والعين حق (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۲: ۲۸۹ در مسند احمد افتادگی وجود داشت که با استفاده از نقل ابن کثیر از احمد تصحیح شد. (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ج ۴: ۴۳۸)

طبرانی نقل کرده که دو نفر بر عایشه وارد شده و گفتند ابوهیره از پیامبر نقل می‌کند که شومی در زن، خانه و اسب است. عایشه به شدت ناراحت شد و گفت پیامبر فرمود اهل جاهلیت چنین می‌پنداشتند که شومی در این سه چیز است (طبرانی، ۱۴۱۷: ج ۴: ۵۰)

روایت چهارم

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا قتيبة ثنا رشدين بن سعد عن الحسن بن ثوبان عن هشام بن أبي رقية عن عبد الله بن عمرو بن العاصي قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لا عدوى ولا طيرة ولا هامة ولا حسد والعين حق (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۲: ۲۲۲)

همیشگی این روایت را به واسطه وجود رشدين بن سعد ضعیف می‌داند (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۱) همچنین روایت علوی منقول از پیامبر (ص): «لا صفر ولا هامة^۳ ولا یعدی سقیم صحیحا» را به خاطر وجود ثعلبه بن یزید الحمانی ضعیف می‌داند.

این دسته از روایات معتبر نیستند چون:

۱. راوی این روایات ابوهیره است که مورد اعتماد نیست. روایت اخیر نیز به واسطه عبد الله بن عمرو بن عاص و رشدين بن سعید ضعیف السند است.

۲. مشکل دیگر این دسته از روایات انکار امکان سرایت بیماری هاست که قابل قبول نیست (در این باره نک: کریمیان، ۱۳۹۵: ۳-۲۵)

۳. در روایات بخاری از ابوهیره درباره نفی طیره، عبارت «العین حق» نیامده است. (بخاری، ج ۷، ص ۲۷)

۴. روایات نفی طیره از انس و ابن عمر نیز وارد شده که در آن عبارت «العین حق» نیامده است. (بخاری، ج ۷، ص ۲۷)

۳-۵. رد الهام و انبات چشم بد

این روایت به چند شکل نقل شده است.

^۳. كانت العرب تزعم أن في البطن حية يقال لها الصفر تصيب الانسان وتؤذيه إذا جاع وأنها تعدى فأبطل الاسلام ذلك، والهامة: اسم طائر وذلك أنهم كانوا يتشاءمون بها وهي من طير الليل، وقيل هي البومة، وقيل غير ذلك. هيثمی، همان پانوشت ۲.

روایت نخست

علی (بن مبارک) عن یحیی یعنی ابن اُبی کنیر قال حدثني حية التميمي ان أباه أخبره انه سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول لا شئ في الهام والعين حق وأصدق الطير الفأل (ابن حنبل، بی تا: ج ۴: ۶۷ و ج ۵: ۷۰، طبرانی، بی تا: ج ۴: ۳۱ مقایسه شود با بخاری، ۱۴۰۶: ۱۹۵ و ضحاک، ۱۴۱۱: ۲: ۳۸۹-۳۹۰ که با لفظ «حبه» آورده اند)

البانی این روایت را ضعیف می داند (البانی، ۱۴۱۱: ۲۳۱) ترمذی درباره این حدیث می نویسد: «وحدیث حیه بن حابس حدیث غریب» (ترمذی، ۱۴۰۳: ۳: ۲۶۸، همچنین نک: أبو طالب القاضي، ۱۴۰۹: ۲۶۷-۲۶۵)

روایت دوم

حدثنا أحمد بن عبد الوهاب ثنا أبو المغيرة ثنا عفیر بن معدان عن سليم بن عامر عن أبي أمامة أن النبي صلى الله عليه وسلم قال لا شئ في الهام والعين حق وأصدق الطير الفأل (طبرانی، بی تا: ج ۸: ۱۶۴)

هیثمی می نویسد در سند این روایت «عفیر بن معدان» آمده که ضعیف است (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۶).

۳-۶. چشم بد مهمترین عامل هلاکت

منابع اهل سنت از پیامبر (ص) چنین نقل کرده اند:

العين حق لتورد الرجل القبر والجمل القدر وإن أكثر هلاك أمتي في العين (ابن کنیر، ۱۴۱۲: ج ۴: ۴۳۹، با اختلافاتی اندک در: قاضی قضاعی، ۱۴۰۵: ج ۲: ۱۴۰)

در قرون بعدی این روایت وارد منابع شیعی نیز شد (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۰: ۱۷) علی بن ابی علی هاشمی راوی این حدیث به شدت تضعیف شده است (ابن حبان، بی تا: ج ۲: ۱۰۷، ابن عدی، ۱۴۰۵: ۱۸۴-۱۸۵، ذهبی: ج ۳: ۱۴۷-۱۴۸) بر این اساس سند این روایت ضعیف است.

۳-۷. علت اصلی مرگ مسلمانها

روایتی در طب الائمه چشم زخم را اصلی ترین عامل مرگ و میر مسلمانها می داند.

عن أبي عبد الله الصادق عليه السلام أنه قال: لو نبش لكم عن القبور لرأيتم أن أكثر موتاكم بالعين، لأن العين حق، إلا أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: العين حق، فمن أعجب له من أخيه شئ فليذكر الله في ذلك، فإنه إذا ذكر الله لم يضره (ابن بسطام، ۱۴۱۱: ۱۲۱).

علاوه بر ضعف منبع (در این باره نک: اثباتی، منبع‌شناسی و اعتبار سنجی دعا‌های طبی، ۱۶-۱۷) سند روایت نیز به واسطه وجود محمد بن میمون مکی (۲۵۲ق) (ذهبی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۳۸۱) و عثمان بن عیسی (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۰۰) ضعیف و نامعتبر است. این مضمون در منابع اهل سنت نیز با سند ضعیف وارد شده است (بخاری، بی‌تا: ج ۴: ۳۶۰، عقیلی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۲۳۱) اگر بپذیریم که دین اسلام تأثیر چشم زخم را به عنوان یک امر واقعی خارجی پذیرفته است، انتظار این است که با ارائه راهکارهایی در صدد رفع این آفت بوده و در نتیجه این آفت کاهش یابد نه اینکه این آفت باعث مرگ بیشتر امت شود.

۳-۸. چشم بد قله‌ها را فرو می‌ریزد.

احمد بن حنبل از پیامبر (ص) نقل کرده که فرمود:

عن ابن عباس عن النبي صلى الله عليه وسلم قال العين حق تستنزل الحالق (ابن حنبل، بی‌تا: ج ۱: ۲۷۴ و ۲۹۴، طبرانی، بی‌تا: ج ۱۲: ۱۴۲)

این روایت به خاطر وجود دوید بصری در سند ضعیف است (بخاری، بی‌تا: ج ۳: ۲۵۱، هیثمی: ج ۵: ۱۰۷) سید رضی این روایت را بدون ذکر سند و احتمالاً از منابع اهل سنت از پیامبر نقل کرده است (سید رضی، بی‌تا: ۳۶۷-۳۶۹، همچنین نک: مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶: ۱۷)

۳-۹. چشم بد فراتر از قدر

از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «العين حق، ولو كان شيء سابق القدر سبقه العين، وإذا اغتسلتم فاغسلوا» (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳: ج ۱: ۱۶۹). ابن ابی جمهور احسائی این روایت را بدون منبع و سند نقل کرده و جستجوی در منابع نشان می‌دهد از منابع اهل سنت گرفته شده است که در منابع مختلف با اندکی تفاوت از ابن عباس نقل شده و بر مبنای اهل سنت صحیح است (مسلم، بی‌تا: ج ۷: ۱۴، بیهقی، بی‌تا: ج ۹: ۳۵۱، ابن حبان، ۱۴۱۴: ج ۱۳: ۴۷۳).

۳-۱۰. پناه بر خدا از چشم بد

ابن ماجه می‌نویسد:

حدثنا محمد بن بشار، ثنا أبو هشام المخزومي، ثنا وهيب عن أبي واقد، عن أبي سلمة بن عبد الرحمن، عن عائشة، قالت: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم «استعيذوا بالله، فإن العين حق» (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲: ۱۱۵۹) به خدا پناه ببرید چرا که چشم زخم حق است.

حاکم نیشابوری با سند خود از وهیب از همین طریق این روایت را نقل کرده است و در نهایت مدعی شده که این روایت صحیح است ولی در صحیحین نیامده است (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴: ۲۱۵) در حالی که ابو واقد صالح بن محمد بن زائدة اللیثی ضعیف است و بنا بر این روایت ضعیف شمرده می‌شود

(ابن ماجه، بی تا: ج ۲: ۱۱۵۹، پانوش ۱) طبرانی نیز این روایت را با همین سند و با لفظ «استعیدی» نقل کرده و می نویسد این روایت را تنها ابو واقد از ابوسلمه روایت کرده و وهیب در نقل این روایت متفرد است (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۶: ۱۰۷)

۱۱-۳. دفع چشم بد با طلب برکت

مکارم الاخلاق از امام صادق علیه السلام چنین روایت کرده است: من أعجبه من أخيه شئ فليبارك عليه، فإن العين حق (طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۸۶). بر این اساس بعد از دیدن نعمت شگفت انگیز باید به شخص تبریک گفت یا طلب برکت برای آن نعمت داشت (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۰: ۲۵-۲۷). در منابع اهل سنت گزارش شده که عامر بن ربیع و سهل بن حنیف برای غسل کردن آماده می شوند وقتی عامر بدن سفید سهل را می بیند او را چشم می زند. پیامبر می فرماید اگر کسی چیز خوبی از برادرش دید برای او طلب برکت کند چون چشم زخم حق است. این گزارش از پنج طریق نقل شده است.

سند اول

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا وكيع ثنا أبي عن عبد الله بن عيسى عن أمية بن هند بن سهل بن حنيف عن عبد الله بن عامر قال انطلق عامر بن ربعة سهل بن حنيف يريدان الغسل قال فانطلقا يلتمسان الخمر قال فوضع عامر جبة كانت عليه من صوف فنظرت إليه فأصبته بعيني فزل الماء يغتسل قال فسمعت له في الماء قرقة فاتيت فناديته ثلاثا فلم يجبني فاتيت النبي صلى الله عليه وسلم فأخبرته قال فجاء يمشي فخاض الماء كأنني أنظر إلى بياض ساقيه قال فضرب صدره بيده ثم قال اللهم اذهب عنه حرها وبردها ووصبها قال فقام فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا رأى أحدكم من أخيه أو من نفسه أو من ماله ما يعجبه فليبركه فان العين حق (ابن حنبل، بی تا: ۳، ۴۴۷)

سهل بن حنیف انصاری (م ۳۸ق) در پیمان برادری با امام علی (ع) برادر شد بعد از ماجرای عثمان نیز از امام علی حمایت کرده در جمل و صفین در رکاب امام بود و زمانی از طرف امام به عنوان حاکم بصره منصوب شد، سیر اعلام النبلاء، ذهبی: ج ۲: ۳۲۸) عامر بن ربیع از مهاجران و مصاحب عمر بود و در جاهلیت عمر او را عامر بن خطاب می خواند. وقتی عثمان به حج رفت او را در مدینه به جای خویش گمارد. پسرش عبد الله نیز مصاحب خلیفه دوم بود (ابن سعد، بی تا: ج ۲: ۳۸۴؛ ج ۳: ۲۷۹، ۳۲۴، ۳۶۰)

حاکم نیشابوری با سند خود از «وکیع بن الجراح» همین روایت را گزارش کرده و می نویسد: «هذا حديث صحيح الاسناد ولم يخرجاه» (حاکم نیشابوری، بی تا: ۴: ۲۱۵-۲۱۶).

جراح بن ملیح پدر وکیع و راوی این حدیث است. عباس بن محمد دوری گوید از یحیی بن معین درباره جراح بن ملیح پرسیدم و گفت «ثقه» است (ابن معین، بی تا: ۱، ۱۹۶) اما ابن ابی خيثمه گوید

از یحیی بن معین شنیدم که او را ضعیف الحدیث دانسته‌است و برخی دیگر بیان کرده‌اند که حدیثش نوشته می‌شود ولی بدان احتجاج نمی‌شود (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ج ۲: ۵۲۳) ابن حبان می‌نویسد او اسناد را دگرگون می‌کرد و روایات مرسل را به صورت روایات مرفوع و متصل نقل می‌کرد و یحیی بن معین چنین می‌پنداشت که او حدیث جعل می‌کرد (ابن حبان، بی‌تا: ج ۱: ۲۱۹) از ابن سعد نقل شده که در حدیث او را ضعیف می‌دانست و طیلانی از یحیی بن معین نقل کرده که هیچ روایتی از وکیع از طریق پدرش ننوشتیم (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۷: ۲۶۱) از دارقطنی نقل شده که او را «کثیر الوهم» دانسته و در امر حدیث نامعتبر شمرده‌است. او مدتی از طرف هارون به عنوان مسئول بیت المال بغداد گماشته شد و در سال ۱۷۵ از دنیا رفت (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۱۰۷ و ۲۶۲، ابن سعد، بی‌تا: ج ۶: ۳۸۰)

از سویی این روایت مخالف همه گزارشهای دیگری است که از ابن ماجرا نقل شده‌است چون بر اساس این گزارش سهل، عامر را چشم زده‌است اما در گزارشهای دیگر عامر سهل را چشم زده‌است. بر این اساس سند روایت اول ضعیف است.

سند دوم

حدثنا أبو بكر قال حدثنا معاوية بن همام (هشام) ^۴ قال حدثنا عمار بن رزيق عن عبد الله بن عيسى عن أمية بن هند عن عبد الله بن عامر بن ربيعة عن أبيه قال: انطلقت أنا وسهل بن حنيف نلتمس الخمر فوجدنا خمرا وغديرا، وكان أحدنا يستحي أن يغتسل وأحد يراه، فاستتر مني حتى إذا رأى أن قد فعل نزع جبة عليه من كساء، ثم دخل الماء، فنظرت إليه فأعجبني خلقه، فأصبت منها بعين، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو أخيه ما يعجبه فليدع بالبركة فإن العين حق». (المصنف-ابن أبي شيبة الكوفي: ۵: ۴۴۷، ابو يعلى، ج ۱۳: ۱۵۲-۱۵۳)

بخش پایانی سند از عبد الله بن عیسی به بعد با سند قبلی مشترک است و متن نیز اختلافات اندکی با گزارش قبلی دارد.

نسائی با اندکی اختلاف در لفظ این روایت را از احمد بن سلیمان از معاویه به هشام از عمار بن زریق نقل کرده‌است (نسائی، ۱۳۴۸: ج ۶: ۲۵۶) ابن ماجه با همین سند فقط عبارت «العين حق» را نقل کرده‌است (ابن ماجه، بی‌تا: ج ۲: ۱۱۵۹) حاکم هم با همین سند بخش روایت نبوی را نقل کرده‌است (حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴: ۲۱۵)

عثمان بن سعید دارمی (۲۰۰-۲۸۰ هـ) گوید از یحیی بن معین (۱۵۸-۲۳۳ هـ) درباره امیه بن هند سوال کردم و گفت او را نمی‌شناسم (ابن معین، بی‌تا: ۷۰) رجالیان دیگر نیز اطلاعاتی از او نداشته و به همین پرسش و پاسخ اشاره کرده‌اند (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ج ۲: ۳۰۱، مزی، ۱۴۰۶: ج ۳: ۳۴۱)

^۴ در نسخه ابویعلی

هیشمی درباره او می‌نویسد: «هو مستور ولم يضعفه أحد» (هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۵: ۱۰۸) تنها ابن حبان بدون هیچ توضیحی نام او را در کتاب الثقات آورده است (ابن حبان، ۱۳۹۳: ج ۴: ۴۱) بر این اساس روایت ضعیف السند است شاید به همین دلیل بخاری روایت امیه بن هند درباره ماجرای چشم زخم را شنیده و در تاریخ خود به آن اشاره کرده است با این وصف آن را در کتاب الجامع الصحيح ذکر نکرده است (بخاری، بی‌تا: ج ۲: ۹).

سند سوم

... أخبرني يوسف بن طهمان عن محمد بن أبي أمية بن سهل بن حنيف أنه سمع أباه يقول اغتسل أبي سهل بن حنيف فنزع جبة كانت عليه يوم حنين حين هزم الله العدو وعامر بن ربيعة ينظر قال وكان سهل رجلاً أبيض حسن الخلق فقال له عامر بن ربيعة ما رأيت كالיום قط ونظر إليه فأعجبه حسنه حين طرح جبته فقال ولا جارية في سترها بأحسن جسدا من جسد سهل بن حنيف فوعك سهل مكانه واشتد وعكه فأتى رسول الله صلى الله عليه وآله فأخبره أن سهل بن حنيف وعك وأنه غير رائج معك فأتاه رسول الله صلى الله عليه وآله فأخبره بالذي كان من شأن عامر فقال رسول الله صلى الله عليه وآله ما يقتل أحدكم أخاه إلا برکت ان العین حق توضحاً له ثم قال رسول الله صلى الله عليه وآله إذا رأى أحدكم شيئاً يعجبه فليبرك فان العین حق * هذه الزيادات في الحديثين جميعاً مما لم يخرجاه (حاكم نیشابوری، بی‌تا: ج ۳: ۴۱۰-۴۱۲)

محمد بن ابی امامة بن سهل بن حنيف توثيق شده (مزی، ۱۴۰۶: ج ۲۴: ۵۰۲) اما درباره یوسف بن طهمان گفته‌اند «واه، احادیش واهی است» ابن حبان نامش را در ثقات آورده ولی بخاری، عقیلی و ابن عدي او را در زمره ضعفا دانسته‌اند (ابن حجر، ۱۳۹۰: ج ۶: ۳۲۴) عقیلی می‌نویسد: «یوسف بن طهمان مولی آل معاوية ولا يتابع عليه» (عقیلی، ۱۴۱۸: ج ۴: ۴۴۹) سند روایت ضعیف است

سند چهارم

حدثني يحيى عن مالك، عن محمد بن أبي أمية بن سهل بن حنيف، أنه سمع أباه يقول: اغتسل أبي، سهل بن حنيف، بالخرار فنزع جبة كانت عليه. وعامر بن ربيعة ينظر. قال وكان سهل رجلاً أبيض حسن الجلد قال فقال له عامر بن ربيعة: ما رأيت كالיום. ولا جلد عذراء. قال فوعك سهل مكانه. واشتد وعكه. فأتى رسول الله صلى الله عليه وسلم فأخبر: أن سهلاً وعك. وأنه (يغر) غير رائج معك يا رسول الله. فأتاه رسول الله صلى الله عليه وسلم. فأخبره سهل باذن كان من شأن عامر. فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم (علام يقتل أحدكم أخاه؟) ألا برکت. إن العین حق. توضحاً له عامر. فراح سهل مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس به بأس. (مالك بن انس، ۱۴۰۶: ج ۲: ۹۳۸)

مالک در ادامه همین روایت را با اندکی اختلاف در الفاظ با سند زیر آورده است:

«مالك، عن ابن شهاب، عن أبي أمية بن سهل بن حنيف، أنه قال: رأى عامر بن ربيعة سهل بن حنيف يغتسل.» (مالک: ج ۲: ۹۳۹) در این روایت عبارت «العین حق» نیامده است.

در این دو روایت ابو امامه راوی حدیث است که در این صورت حدیث مرسل خواهد بود چنان که فواد عبدالباقی در تعلیقاتش بر موطا اشاره کرده است و توضیح داده که ابو امامه این روایت را از پدرش شنیده است و در بعضی از طرق این روایت به نام پدر تصریح شده است. (همان) ابن حبان با سند خود از مالک چنین آورده است «عن مالك عن محمد بن أبي أمية بن سهل بن حنيف انه سمع أباه أبا أمية يقول اغتسل أبي سهل بن حنيف بالخرار.....» (ابن حبان، ۱۴۱۴: ۱۳: ۴۶۹-۴۷۰) بیهقی با سند خود از مالک با اندکی اختلاف در الفاظ روایت را نقل کرده است (نسائی، ۱۳۴۸: ج ۴: ۳۸۰-۳۸۱) همچنین نک: با اختلافاتی در الفاظ: طبرانی، بی تا: ۶: ۸۲) در این گزارشها که از مالک و با همین سند نقل شده است تعبیر «انه سمع أباه أبا أمية يقول» مشکل ارسال را برطرف می کند. ابن عبد البر بعد از نقل این روایت می نویسد در این روایت کیفیت غسل نیامده است و کیفیت غسل جزء روایت نیست (ابن عبد البر، ۲۰۰۰م: ج ۸: ۳۹۹-۴۰۰)

سند پنجم

این روایت با اندکی اختلاف در متن از طرق گوناگون نقل شده است. طبرانی آن را از محمد بن شهاب زهری و مسلمة بن خالد الأنصاري و عبد الله بن أبي حبيبة از ابو امامة بن سهل بن حنيف از پدرش نقل کرده است (طبرانی، بی تا: ج ۶: ۷۸-۸۳ همچنین نک: حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۳: ۴۱۰-۴۱۱) او به ضعف برخی از این روایات اشاره می کند.

محمد بن شهاب زهری از محدثان اهل سنت و متمایل به امویان است برخی از رجالیان شیعه با توجه به روایات محبت او نسبت به امام سجاد (ع) او را توثیق کرده اند (خوئی، ۱۴۱۳: ج ۱۷: ۱۸۹-۱۹۰، شوشتری، ۱۴۱۹: ج ۹: ۳۲۹-۳۳۱) ابن ابی الحدید نام او را در زمره منحرفین از امام علی (ع) ذکر کرده است (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۴: ۱۰۲) و روایاتی در ذم امام (ج ۴: ۱۲۴: ج ۶: ۴۴ و تمایل به بنی امیه (همان: ج ۹: ۱۷) از او نقل شده است. برخی دیگر با توجه به روایاتی که از او در بدگویی از امام علی (ع) گزارش شده است او را تضعیف کرده اند (ابوعلی حائری، ۱۴۱۶: ج ۶: ۸۱)

مسلمة بن خالد الأنصاري ناشناخته است (ذهبی، ۱۴۱۸: ج ۲: ۴۰۵، ابن حجر، ۱۳۹۰: ج ۶: ۳۳) عبد الله بن أبي حبيبة که از ابو امامه روایت می کند، توثیق یا تضعیفی ندارد. فرد دیگری به نام عبد الله بن أبي حبيبة انصاری مولی آل سفیان در زمره صحابه است که در کودکی پیامبر را در مسجد قبا دیده است (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱: ج ۴۲)

بر این اساس سند پنجم نیز ضعیف است.

وضعیت سندی روایت و جایگاه راویان ضعیف و ناشناخته



۱. با توجه به آنچه گذشت تمام سندهای این روایت به دو نفر می‌رسد «امیه بن هند بن سعد بن سهل» که از عبد الله بن عامر و او از عامر بن ربیعہ نقل می‌کند و دیگری «ابو امامہ اسعد بن سهل» که از پدرش سهل بن حنیف گزارش می‌کند.

ابو امامہ بن سهل که نامش اسعد است در زمان پیامبر در سال هشتم هجری متولد شد ولی روایتی از او نقل نکرده‌است و در سال ۱۰۰ از دنیا رفت (ابن حجر، ۱۴۱۵ الف: ج ۱: ۲۶) با توجه به اینکه هیچ روایتی از پیامبر نقل نکرده و تنها دو ساله بوده که پیامبر از دنیا رفته‌است برخی صحابه بودن او را انکار کرده‌اند (ابن عبد البر، ۱۴۱۲: ج ۱: ۸۲) در منابع رجالی اهل سنت توثیقی برای او وارد نشده‌است و تنها با توجه به نظریه عدالت صحابه او را عادل شمرده‌اند (نووی، بی‌تا: ج ۵: ۲۴۴) با توجه به اینکه این مبنا از نظر شیعه پذیرفته نیست و او دو ساله بوده که رسول خدا (ص) از دنیا رفته، نمی‌توان او را توثیق کرد و روایات منقول از او ضعیف تلقی می‌شود.

امیه بن هند ناشناخته‌است و تنها همین روایت از او نقل شده و اطلاعات دیگری از او در دست نیست. (ابن حجر، تهذیب التهذیب: ج ۱: ۳۲۶) و از سویی افرادی که سهل بن حنیف را معرفی کرده‌اند هند بن سهل را به عنوان یکی از فرزندان او نام نبرده‌اند (ابن سعد، بی‌تا: ج ۳: ۴۷۲، ذہبی، ۱۴۱۳: ج ۲: ۳۲۵، ابن حجر، ۱۴۱۵ الف: ج ۳: ۱۶۵) به نظر می‌رسد نسب صحیح او به صورت امیه بن هند بن سعد بن سهل باشد. (مغلطای، ۱۴۲۲: ج ۲: ۲۷۳ همچنین نک ذہبی همان) حاکم نیشابوری و بخاری سند روایت مربوطه را به صورت «عبد الله بن عیسی عن أمیة بن هند بن سعد بن سهل بن حنیف عن عبد الله بن عامر بن ربیعة» آورده‌اند (بخاری، بی‌تا: ج ۲: ۹؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا: ج ۴: ۲۱۵).

۲. چنان که گذشت بخاری این روایت را شنیده بود اما نه او و نه مسلم آن را در کتاب صحیح خود نقل نکرده‌اند.

۳. بر اساس آنچه در روایت آمده افراد زیادی شاهد این ماجرا بوده‌اند و انگیزه نقل آن هم بسیار بود چون شورچشمی یک مسلمان، فردی را در معرض قتل قرار داده بود و پیامبر شخصا برای نجات آن شخص اقدام کرده بود با این وصف این روایت را تنها دو نفر از نوادگان سهل بن حنیف نقل کرده‌اند.

۴. در این روایت پیامبر (ص) از مردم سوال می‌کند که چه کسی را متهم به چشم زدن سهل می‌کنید و آنها عامر بن ربیع را متهم می‌کنند. با توجه به اینکه چشم زخم امری آشکار نیست چگونه می‌توان شخصی را متهم به آن کرد و این روایت در مخالفت با آیات قرآن و روایاتی است که از تمسک به ظن و گمان نهی کرده‌است و برخی از گمان‌ها را گناه دانسته‌است.

۵. حاکم نیشابوری، ابو داود سجستانی و احمد بن حنبل از سهل بن حنیف نقل کرده‌اند که سهل غسل کرد و مبتلا به تب شد و پیامبر فرمود به ابائابث بگوئید که صدقه دهد (یا تعویذی استفاده کند) و در آن سخنی از چشم زدن توسط عامر بن ربیع و نجات توسط پیامبر نیست. این روایت را فرزندان و نوه‌های سهل بن حنیف نقل نکرده‌اند بلکه دیگران از سهل بن حنیف نقل کرده‌اند. حاکم سند روایت را صحیح دانسته و ذهبی نیز سخن حاکم را تایید کرده‌است. (ذهبی، ۱۴۱۳: ج ۲: ۳۲۶) به نظر می‌رسد تنها در گزارشهایی که نوه‌های سهل بن حنیف نقل کرده‌اند عامر بن ربیع متهم به چشم زدن سهل است و حتی خودش هم به آن اعتراف کرده‌است. بر اساس آنچه گذشت روایت قابل اعتماد نیست.

۳-۱۲. تعویذ حسنین (علیهما السلام)

ابن طاووس از منابع اهل سنت دعایی برای درمان چشم زخم نقل کرده‌است (ابن طاووس، ۱۴۱۲: ۹۲-۹۳، اتان کلبرک، ۱۳۷۱: ۱۶۸). ابن عساکر این حدیث را چنین گزارش کرده‌است:

... عن أبي رجاء عن شعبة عن أبي إسحاق عن الحارث عن علي عليه السلام أن جبريل أتى النبي (صلى الله عليه وسلم) فوافقه مغتما فقال يا محمد ما هذا الغم الذي أراه في وجهك قال الحسن والحسين أصابتهما عين قال صدق بالعين فإن العين حق أفلا عوذتهما بهؤلاء الكلمات قال وما هن يا جبريل قال قل الله ذا السلطان العظيم ذا المن القديم ذا الوجه الكريم ولي الكلمات التامات والدعوات المستجابات عاف الحسن والحسين من أنفس الجن وأعين الإنس فقالها النبي (صلى الله عليه وسلم) فقاما يلعبان بين يديه فقال النبي (صلى الله عليه وسلم) عوذوا أنفسكم ونساءكم وأولادكم بهذا التعویذ فإنه لم يتعوذ المتعوذون بمثله. (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲۴: ۴۶۰-۴۶۱)

جبرئیل روزی نزد پیامبر آمد و او را غمگین دید. پرسید ای محمد این غمی که در چهره ات می‌بینم چیست؟ فرمود: حسن و حسین به چشم زخم مبتلا شده‌اند. جبرئیل فرمود. چشم زخم را تصدیق کن چون چشم زخم حق است. آیا آنها را به این کلمات تعویذ نکرده‌ای. فرمود آنها کدام کلمات هستند ای

جبرئیل؟ گفت بگو: خدا صاحب سلطان بزرگ: صاحب منت قدیم، دارای وجه کریم، ولی کلمات تمام و دعاهاى مستجاب، حسن و حسین را از انفس جن و چشم انسانها عافیت ده. پس پیامبر اینها را گفت. پس برخواستند و شروع به بازی در پیش پیامبر کردند. پیامبر فرمود: خودتان و زنانان و کودکانتان را با این تعویذ در امان نگاه دارید زیرا که تعویذ کنندگان به چیزی مانند این تعویذ نکرده‌اند. این روایت را تنها ابوجراء محمد بن عبد الله (عبید الله) الحنظلی (الحنطی، الحبطی) که از اهالی تستر بوده از شعبه نقل کرده و از این رو غریب و منفرد دانسته شده‌است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۲۴: ۴۶۰-۴۶۱، خیثمه بن سلیمان، بی‌تا: ۲۰۴، متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۰: ۱۰۸) بیهقی، ابن حبان و سیوطی، ابوجراء را تضعیف کرده‌اند و بیان می‌کنند که روایاتی را که ثابت نشده از افراد ثقه نقل می‌کند و روایات منقول از او را ضعیف می‌دانند (مناوی، بی‌تا: ج ۱: ۴۴۳) بر این اساس روایت نه تنها غریب بلکه ضعیف نیز شمرده می‌شود. از سویی پیامبر (ص) بر اساس آنچه در این روایت آمده علت ابتلای حسنین (ع) را چشم زخم دانسته‌است از این رو دلیلی ندارد که جبرئیل می‌گوید چشم زخم را تصدیق کن چون حق است.

در منابع شیعی گزارش شده که پیامبر (ص) دعایی را به عنوان رقیه برای حسنین (ع) می‌خواند. در این گزارشها سخنی از ابتلای حسنین (ع) به چشم زخم و تعویذ جبرئیل نیامده تنها در بخشی از دعا عبارت «وَمِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ لَّامَةٍ» آمده‌است که روایتی دیگر «أَلَا لَمَّةٌ» را به معنای «لَمَمُ الشَّيَاطِينِ، آسیب‌های ناشی از شیاطین» معنا کرده‌است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۲: ۵۶۹. صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۴۷۰).

۳-۱۳. حقانیت چشم زخم و رسالت حضرت محمد (ص)

ابن ابی الحدید می‌نویسد در حدیث عایشه آمده که «العین حق کما أن محمدا حق» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸: ج ۱۹: ۳۷۲) این روایت در منبع دیگری یافت نشد و ابن ابی الحدید نیز سند و منبعی برای سخنش نیاورده‌است از این رو قابل اعتماد نیست.

جدول وضعیت سند و منبع روایات «العين حق»

منبع حدیث	سند	صحابی یا امام	متن حدیث	اعتبار حدیث
۱ تاریخ دمشق	عمرو - منیع - سالم	ابوهریره	العين حق	ضعیف
۲ المصنف صنعانی	عبد الرزاق - معمر - همام بن منبه	ابوهریره	العين حق و نهی عن الوشم	ضعیف
۳ مسند احمد	ابن نمیر - ثور - مکحول	ابوهریره	العين حق ويحضر بها الشيطان وحسد ابن آدم	ضعیف
۴ نهج البلاغه	بدون سند از امام علی (ع)	-	الْعَيْنُ حَقٌّ وَالزُّبِّي حَقٌّ وَالسَّخَرُ حَقٌّ وَالْقَالَ حَقٌّ وَالطَّيْرَةُ لَيْسَتْ بِحَقٍّ وَالْعُدْوَى لَيْسَتْ بِحَقٍّ	ضعیف
۴ جعفریات و دعائم الاسلام	موسی بن اسماعیل - ابیه امام صادق (ع)؛ دعائم بی سند	امام صادق (ع)	لا عدوى ولا طيرة ولا هامة، وخير الطيرة الفأل، والعين	ضعیف
۴ ج المصنف ابن أبي شيبه	ابن علیة - الجريدي - المضارب	ابوهریره	لا عدوى ولا طيرة ولا هامة، وخير الطيرة الفأل، والعين حق	ضعیف
۴ د مسند احمد	معروف - علي بن رباح	ابوهریره	لا عدوى ولا طيرة والعين حق	ضعیف
۴ هـ مسند احمد	أبو معشر - محمد بن قيس	ابوهریره	أصدق الطيرة الفأل والعين حق	ضعیف
۴ و مسند احمد	رشدین - الحسن - هشام بن عمرو	عبد الله بن عمرو	لا عدوى ولا طيرة ولا هامة ولا حسد والعين حق	ضعیف
۵ الف مسند احمد	علي بن مبارك - يحيى - حية بن حابس	حابس	لا شئ في الهام والعين حق وأصدق الطير الفأل	ضعیف
۵ ب معجم الكبير طبرانی	أبو المغيرة - غفر بن معدان - سليم بن عامر	ابو امامة	لا شئ في الهام والعين حق وأصدق الطير الفأل	ضعیف
۶ تفسیر ابن کثیر	علي الهاشمي - محمد بن المنكدر	جابر	العين حق لتورد الرجل القبر والجمل القدر وإن أكثر هلاك أمي في العين	ضعیف
۷ طب الاثمه	عثمان - حسين بن مختار - صفوان - امام صادق (ع)	امام صادق (ع)	لو نبش لكم عن القبور لرأيتم أن أكثر موتاكم بالعين، لأن العين حق،	ضعیف
۸ مسند احمد	دويد - إسماعيل - جابر بن زيد	ابن عباس	العين حق تستزل الحالق	ضعیف
۹ صحيح مسلم	وهيب - ابن طاوس - طاوس	ابن عباس	العين حق ولو كان شئ سابق القدر سبقته العين وإذا استغسلتم فاغسلوا	صحيح
۱۰ سنن ابن ماجه	وهيب - أبو واقد - ابو سلمة	عائشة	استعيذوا بالله. فإن العين حق	ضعیف
۱۱ مكارم الاخلاق الف	بدون سند از امام صادق (ع)	امام صادق (ع)	من أعجبه من أخيه شئ فليبارك عليه، فإن العين حق	ضعیف
۱۱ ب مسند احمد	عبد الله بن عيسى - أمية - عبد الله بن عامر	عامر بن ربيعة	إذا رأى أحدكم من أخيه أو من نفسه أو من ماله ما يعجبه فليبركه فإن العين حق	ضعیف
۱۱ ج المصنف - ابن أبي شيبه	عبد الله بن عيسى - أمية بن هند - عبد الله بن عامر	عامر بن ربيعة	إذا رأى أحدكم من نفسه أو ماله أو أخيه ما يعجبه فليدع بالبركة فإن العين حق	ضعیف
۱۱ د مستدرک حاکم	يوسف بن طهمان - محمد - أبي امامة	سهل بن حنيف	علي ما يقتل أحدكم أخاه إلا برکت ان العين حق توضحاً له ... إذا رأى أحدكم شيئاً يعجبه فليبركه فإن العين حق	ضعیف
۱۱ هـ موطا مالك	مالك - محمد - أبي امامة	سهل بن حنيف	علام يقتل أحدكم أخاه ؟ ألا برکت . إن العين حق. توضحاً له عامر	ضعیف
۱۱ و معجم طبرانی	زهرى و مسلمة و عبد الله بن أبي حبيب از ابو امامة	سهل بن حنيف	متن بالا با اندکی اختلاف	ضعیف
۱۲ تاریخ دمشق	شعبة - أبي إسحاق - الحارث -	علي (ع)	صدق بالعين فإن العين حق أفلا عوذتهما بهؤلاء الكلمات	ضعیف
۱۳ شرح نهج البلاغه	ابن ابی الحديد بدون سند	عائشه	العين حق كما أن محمدا حق	ضعیف

نتایج

۱. منشا اصلی روایت «العين حق» منابع اهل سنت است و شیعیان نیز این روایت را از اهل سنت نقل کرده‌اند.

روایت «العين حق» در منابع مهم حدیثی اهل سنت مانند موطا مالک، مسند احمد، صحيح مسلم، مصنف صنعانی و ... نقل شده‌است و از نظر اهل سنت مقبول است.

۲. روایت «العين حق» به سیزده شکل در منابع روایی فریقین نقل شده‌است. ۴ روایت از طریق ابوهریره نقل شده‌است، ۲ روایت به ابن عباس و ۲ روایت به عایشه منتسب شده‌است.

۳. ۷ روایت برای اولین بار در مسند احمد، آمده است و در منابعی مانند مصنف ابن ابی شیبه، تاریخ دمشق، و معجم کبیر طبرانی هر کدام دو روایت برای نخستین بار آمده است و در منابع دیگر یک روایت آمده است.

۴. ۱۱ طریق از اسناد سیزده گانه روایت بر اساس مبانی رجالی شیعه و اهل سنت ضعیف هستند. یک روایت بر اساس مبانی رجالی شیعه و به خاطر وجود ابوهریره ضعیف است اما از نظر اهل سنت ابوهریره به خاطر صحابی بودن عادل است. یک روایت دیگر هم بر اساس مبانی رجالی اهل سنت صحیح است که اگر توثیقات اهل سنت را بپذیریم این روایت از نظر سندی موثق و در غیر این صورت ضعیف شمرده می شود.

۵. با توجه به اینکه باور به چشم زخم در سنت یهودی پذیرفته شده بود و در میان عربهای جاهلی نیز کاملاً رایج بود احتمال تأثیر پذیری مسلمانان از آن وجود دارد به ویژه آنکه ابوهریره و عمرو بن عاص که از راویان روایت «العین حق» هستند از راویان اسرائیلیات به شمار می روند.

منابع

- ابن ابی الحديد. عبد الحميد بن هبة الله (١٣٧٨ق)، شرح نهج البلاغه. بيروت: دار احياء الكتب العربية.
- ابن ابی جمهور احسائي، محمد بن علي. (١٤٠٣ق). عوالي اللثالي. قم: بی نا.
- ابن ابی حاتم رازی، عبد الرحمن. (١٣٧١) الجرح و التعديل. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- ابن ابی شيبه، عبد الله بن محمد. (١٤٠٩). المصنف. دارالفكر. بيروت:
- ابن اثير، مبارك بن محمد. (١٣٦٤ش). النهاية في غريب الحديث. قم: مؤسسه اسماعيليان.
- ابن بسطام، عبد الله و حسين، (١٤١١). طب الاثمه (ع). انتشارات رضى. قم.
- ابن جوزی، عبد الرحمن بن علي. (١٣٨٦). الموضوعات. مدينه: المكتبة السلفية.
- ابن حبان، (١٣٩٣ق). كتاب الثقات، حيدرآباد، مؤسسة الكتب الثقافية.
- ابن حبان بستى، محمد. (بی تا). كتاب المجروحين. بی نا.
- ابن حبان، (١٤١٤). صحيح ابن حبان. مؤسسة الرسالة.
- ابن حجر (١٣٩٠ق). لسان الميزان. بيروت: مؤسسة الأعلمي.
- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على الف (١٤١٥ق). الاصابه فى معرفه الصحابه. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن حجر، ب (١٤١٥). تقريب التهذيب. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن حنبل، احمد. (بی تا). المسند. بيروت: دار صادر.
- ابن سعد، محمد. (بی تا) الطبقات الكبرى. بيروت: دار صادر.
- ابن طاووس، (١٤١٢). المجتنى من دعاء المجتبى. مشهد: بی نا.
- ابن عبد البر، (١٤١٢ق). الاستيعاب في معرفة الأصحاب، بيروت: دارالجيل.
- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله. (٢٠٠٠م). الاستذكار. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن عدی، ابو احمد عبد الله، (١٤٠٥ق) الكامل في ضعفاء الرجال، بيروت: دارالفكر.
- ابن عساکر، علي بن الحسن. (١٤١٥ق). تاريخ مدينة دمشق. بيروت: دارالفكر.
- ابن كثير دمشقى، اسماعيل. (١٤١٢ق). تفسير ابن كثير. بيروت: دار المعرفة.

- ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید. (بی تا). السنن. بیروت: دارالفکر.
- ابن معین، یحیی، (بی تا). تاریخ ابن معین بروایه الدورى. بیروت: دارالقلم.
- ابن نجار، محمد بن محمود (۱۴۱۷ق). ذیل تاریخ بغداد. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابو داود، سلیمان بن الأشعث. (۱۴۱۰ق). سنن ابی داود. بیروت: دارالفکر.
- ابو ریه، محمود، (بی تا) الف، أضواء على السنة المحمدية، نشر البطحاء.
- ابو ریه، محمود، (بی تا)، شیخ المضيرة أبو هريرة، بیروت: مؤسسة الأعلمی.
- أبو طالب القاضي (۱۴۰۹ق). علل الترمذی الكبير، بیروت: عالم الكتب.
- ابو علي الحائري مازندرانی، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۶ق). منتهی المقال، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- ابو یعلی الموصلی (بی تا). مسند ابو یعلی. دار المأمون للتراث.
- اتان کلبرک؛ (۱۳۷۱ش). کتابخانه ابن طاووس؛ ترجمه: قرائی، سید علی و جعفریان، رسول؛ قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- اثباتی، اسماعیل، (۱۳۹۹ش). منبع شناسی و اعتبار سنجی دعاهاى طبى، سراج منیر، دوره ۱۱ (پیاپی ۳۹)، ص ۹-۳۴.
- اثباتی، اسماعیل، (۱۴۰۴ش). بررسی مبانی روایی باور به چشم زخم در روایات شیعه، فصلنامه علوم حدیث، دوره ۳۰، ص ۱۲۳-۱۵۱.
- البانی، محمد ناصر. (۱۴۱۱ق). ضعیف سنن الترمذی. بیروت: المکتب الاسلامی.
- بخاری (۱۴۰۶ق)، الأدب المفرد. بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری، بیروت: دار الفکر.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (بی تا). التاريخ الكبير. المكتبة الإسلامية. ديار بكر.
- بيهقي، احمد بن حسين. (بی تا). السنن الكبرى. بیروت: دارالفکر.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق)، السنن. بیروت: دارالفکر.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله. (بی تا). المستدرک على الصحيحین. بیروت: دار المعرفة.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). تاریخ بغداد، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحديث. مركز نشر فرهنگ اسلامى.
- خیثمة بن سلیمان الأطرابلسی (بی‌تا). حدیث خیثمة. بی‌نا. نسخه مکتبه اهل البيت (ع)
- داندس، آلن، (۱۳۹۹ش). چشم زخم، ترجمه: ابراهیمی، معصومه، تهران، نشر چشمه.
- ذهبی، شمس الدین (۱۳۸۲). میزان الاعتدال. تحقیق: علی محمد البجاوی. بیروت: دار المعرفه.
- _____. (۱۴۱۸). المغنی فی الضعفاء. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- _____. (۱۴۱۳ق). سیر اعلام النبلاء. بیروت: مؤسسه الرساله.
- سید رضی، محمد بن حسین. (بی‌تا)، مجازات النبویه. تحقیق: طه محمد الزینی. قم: مکتبه بصیرتی.
- سید رضی، محمد بن حسین، ۱۳۸۷ق نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، بیروت.
- سید شرف الدین موسوی، سید عبدالحسین (۱۳۷۷ش)، ابوهریره. قم: انصاریان.
- شوشتری، محمد تقی. (۱۴۱۹ق). قاموس الرجال. قم: نشر اسلامى.
- شیخ عباس قمی (بی‌تا). الکنی و الالقاب. تهران، مکتبه الصدر.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۶۲). الخصال. تصحیح: علی اکبر غفاری.
- _____. (بی‌تا). من لایحضره الفقیه. قم: نشر اسلامى.
- صنعانی، عبدالرزاق. (بی‌تا). المصنف. تحقیق: حبیب الرحمن الأعظمی. بی‌جا.
- ضحاک، احمد بن عمرو (۱۴۱۱ق). الاحاد والمثانی. دار الدراية.
- طباطبائی، محمد حسین. (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامى.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد (۱۴۱۷ق)، مسند الشامیین، بیروت: مؤسسه الرساله.
- طبرانی، (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، دار الحرمین.
- طبرانی، (بی‌تا). المعجم الكبير. دار احیاء التراث العربی.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۹۲ق). مکارم الاخلاق، منشورات الشریف الرضی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، حسن بن عبد الله (۱۴۰۲ق). تصحیفات المحدثین. قاهره: المطبعة العربیة الحديث.
- عقیلی، محمد بن عمرو. (۱۴۱۸ق). الضعفاء الكبير. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). تفسیر کبیر رازی (مفاتیح الغیب). بی جا: بی نا.
- قاضی قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۴۰۵ق). مسند الشهاب. بیروت: الرسالة.
- قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد. (۱۹۶۳م). دعائم الاسلام. قاهرة: دارالمعارف.
- کنانی، علی بن محمد (بی تا). تنزیه الشریعة المرفوعة عن الأخبار الشنیعة الموضوعة. مكتبة القاهرة.
- کریمیان، محمود. (۱۳۹۵ش). «حدیث لاعدوی، انتساب و مفهوم شناسی»، علوم حدیث، شماره ۷۹، بهار ۱۳۹۵: ۳-۲۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳ش). الکافی. تهران: اسلامیه.
- مالک بن انس. (۱۴۰۶ق). الموطا. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- متقی هندی، علاءالدین علی. (۱۴۰۹)، کنز العمال. بیروت: موسسه الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: الوفاء.
- محمد بن اشعث کوفی، (بی تا). الجعفریات، تهران، مكتبة نینوی الحديثة.
- مزی، یوسف. (۱۴۰۶). تهذیب الکمال. بیروت: الرسالة.
- مسلم بن حجاج نیشابوری، (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دارالفکر.
- مغلطای بن قلیچ (۱۴۲۲ق). اکمال تهذیب الکمال، الفاروق الحديثه.
- ملاحسنی، علیرضا، (۱۳۹۰ش) چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ. قم: بوستان کتاب.
- مناوی، (بی تا). الفتح السماوی بتخریج أحادیث القاضي البیضاوی. الرياض: دار العاصمة.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۱۶ق). رجال النجاشی. قم: انتشارات اسلامی.
- نسائی، احمد بن شعیب، (۱۳۴۸ق). السنن، بیروت: دارالفکر.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت: آل البيت عليهم السلام.
- نووی، محیی الدین بن شرف. (بی تا). المجموع شرح المذهب، بیروت: دار الفکر.
- هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر. (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- وسترمارک، ادوارد. (۱۳۹۶ش). بازماندهایی از فرهنگ دوران جاهلی در تمدن اسلامی. ترجمه: بلوکباشی. علی. تهران: فرهنگ جاوید.